

«جهانی انسانی» برپاداریم که پرتو آفتابش همه جان‌ها را روشنی و گرمی بخشد!

ناگفته نباید گذاشت که ایرادهای جدی، در پیام‌های سیاسی - اجتماعی «رولد دال» در داستان غول بزرگ مهربان، وجود دارد که با زبانی شیرین «ملکه انگلستان» و نیروی‌هوایی و ارتش بریتانیا را فرشته نجات بخش جلوه داده است، اما دیری است که مردم جهان، به روشنی دریافته‌اند که نباید امیدی به «نال» (عقاب) پرریخته استعمار انگلستان ببندند. کاش «رولد دال» زنده بود و می‌دید که تهاجم وحشیانه آمریکا - انگلستان، به مردم عراق، باعث مرگ هزاران نفر زن و مرد و کودک بی‌گناه و بی‌پناه شده است و تحریم‌های اقتصادی به ظاهر قانونی، فقط در ماه اول زمستان گذشته، به مرگ حدود دوازده هزار نفر انجامیده که نه‌هزار نفر آن‌ها کودک بوده‌اند!

آیا واقعاً تخیلی‌ترین بخش این داستان شیرین، طنز نهفته نجات بخش بودن ملکه انگلیس و ارتش آن نیست؟ کاش دال زنده بود و خود به ما می‌گفت!

**پانویست‌ها:**

۱. غول بزرگ مهربان، نوشته رولد دال، ترجمه مهناز داودی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸، سحراب قلم
۲. بنفوق کروجه، کلیات زیبایی‌شناسی ص ۱۱۶، ترجمه رضا مرزبان
۳. همان، ص ۱۱۹
- ۴ و ۶ تا ۱۰. جی. سی. کت فورد، «یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی» صفحات ۱۱-۱۰، ۴۳، ۴۵، ۱۴۷، ۱۴۸ ترجمه احمد صلاتی، چاپ اول، ۱۳۷۰، نشر نی
۵. معادله‌هایی که مترجم، احمد صدارتی، برگزیده است EQUIVALENCE FORMAL CORRESPONDENCE TRANSLATION ۱۱-۱۲. جی. سی. کت فورد، «یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی» از صفحات ۸۵، ۱۴۷، ترجمه احمد صلاتی، چاپ اول، ۱۳۷۰، نشر نی.
۱۲. مجاهدطلبه حسین، مقاله «آثار اولیه جنبش در کالبد اقتصاد ملی» روزنامه خرداد ۱۲ اسفند ۱۳۷۷
- ۱۴-۱۵. دکتر سلیم‌محمد ضیاء حسینی، «هرآمدی بر زبان‌شناسی همگانی» ص ۱۹۱
۱۶. حدادی، محمود صیانی ترجمه، «صفحات ۸۵، ۴۷»
۱۷. دکتر حسینی، سلیم‌محمد ضیاء، «هرآمدی بر زبان‌شناسی همگانی» ص ۱۹۹
۱۸. THE BFG, PAGE Y, ROALD DAHL
۱۹. داودی، مهناز. «غول بزرگ مهربان» ص ۹
۲۰. همان ص ۹
۲۱. احتمالاً مترجم TINIEST را بدین شکل که با حذف Y و گرفتن IEST به صفت عالی بدل شده در فرهنگ لغت نیافته و عطای آن را به لغزش پخشیده است!
۲۲. داودی، مهناز، «غول بزرگ مهربان» ص ۹
۲۳. به نقل از هنر رمان» ص ۲۵۱-۲۵۲
۲۴. جلال‌الدین محمد مولوی، «قیه ما قیه» ص ۱۹۶

# نگاهی به گرایش‌های اخیر در ادبیات کودک و نوجوان

سوئد



○ نویسنده: هلن هریاندر  
○ ترجمه و تلخیص: شقایق قندهاری

در ادبیات کودک و نوجوان سوئد، پس از دهه ۱۹۷۰، چه اتفاقی روی داده است؟ در آن زمان بود که بسیاری از موانعی که موجب رکود ادبیات کودک و نوجوان بود، از بین رفت. در این مقاله، قصد دارم برخی از گرایش‌های مهم (از نظر محتوایی و سبک) را که در آن دوره شکل گرفتند و هم چنان در طول دهه ۱۹۹۰ موجب رونق و پیشرفت ادبیات کودک و نوجوان سوئد شدند، تجزیه و تحلیل کنم. در طول دهه ۱۹۸۰، کمتر از دهه‌های پیشین، آثار ادبی مناسبی برای کودکان و نوجوانان سوئدی منتشر شد. یکی از علل این امر را می‌توان دگرگونی و تغییر نسل نویسندگان تلقی کرد. نسل نویسندگان چیره‌دست و مجربی که پس از سال ۱۹۴۵ و هم‌زمان با «عصر طلایی» ادبیات کودک و نوجوان سوئد بر این حیطة تسلط یافتند، پیر شده و خلاقیت و نوآوری خود را از دست داده بودند. بسیاری از نویسندگان خوب و جالفتاده، اذعان کردند که دیگر قصد نوشتن آثار برای نوجوانان را ندارند! چون احساس می‌کنند رابطه آنها با این گروه سنی قطع شده است. این نویسندگان که سبک مشخصی داشتند، بسیار ماهر بودند و در میان مخاطبان خود محبوب. در واقع، بیش از هر عامل دیگری، سبک نگارش آنها، عامل موفقیتشان بود. بسیاری از همین نویسندگان که منتهی طولانی

خلاق و نوآور بودند، با این که به تدریج از خلاقیت و تولید آثار جدید بازماندند، هم چنان موفق و تاثیرگذار باقی ماندند و آثارشان، هنوز هم تجدید چاپ می‌شود. نسل نویسندگان جوانتر، تازه در طول دهه ۱۹۸۰ وارد این قلمرو شدند. با وجود این، تشکیل گروه جدید نویسندگان، به زمان نیاز داشت. بسیاری از نویسندگان کودک و نوجوان، در همین زمان، برای نخستین بار با چاپ آثار خود، حضور ادبی خود را اعلام کردند و هم اینک، به شکلی موفق و بویا می‌نویسند. در عصر نوگرایی ادبیات کودک و نوجوان سوئد حضور چشمگیر نویسندگان مرد، کاملاً مشخص است و در این میان، می‌توان به نویسندگانی هم چون «متس برگرن»، «پرنیلسون»، «ولف نیلسون»، «بیتر پوهل»، «ولف استارک» و «متس واهل» اشاره کرد. در طول دهه ۱۹۹۰، تغییر نسل نویسندگان تکمیل شد و خون تازه‌ای در شریان ادبیات کودکان و نوجوانان سوئد جریان یافت. از نشانه‌های توانایی و نفوذ نسل جدید نویسندگان، علاقه ناشران سوئدی، برای سرمایه‌گذاری در بخش تألیف است. آنها ترجیح می‌دهند به جای سرمایه‌گذاری روی آثار ترجمه، روی آثار نویسندگان سوئدی کار کنند. خوشبختانه، افت کتاب‌های کودک و نوجوان، تنها در طول دهه ۱۹۸۰ رخ داد و موقتی بود. دهه ۱۹۹۰ ادبیات کودک و



نوجوان این کشور، شاهد حضور افراد جدیدی در این عرصه بود. زبان زیبا و موضوع‌های تازه، دو مؤلفه مهمی است که در آثار این نویسندگان به چشم می‌خورد. نکته بسیار مهم و جالب توجه، عدم ترجمه آثار سایر کشورهای اسکاندیناوی است که در محتوا و تکنیک ادبی، بسیار خلاق هستند. به علاوه، ترجمه از سایر زبان‌ها هم بسیار کاهش یافته است.

### ○ کتاب‌های کودکان

در طول دهه ۱۹۸۰، رمان نوجوانان، شباهت زیادی به ادبیات بزرگسال پیدا کرد و همین گرایش و روند، در دهه ۱۹۹۰ نیز ادامه یافت. مرز میان کتاب‌های نوجوانان و بزرگسال، از میان رفت و دیگر تشخیص و تمییز این دو حیطه، امری دشوار است. بسیاری از نویسندگان جوان، در مورد نسل خود می‌نویسند و از آن‌جا که اختلاف سنی بالایی با مخاطبان آثار خود ندارند، این مرز به طور کامل محو شده است. داستان‌های آنها در فضای کنونی کشور شکل می‌گیرد و اغلب، زمان وقوع داستان‌ها زمان حال است و حداکثر تا دهه ۱۹۷۰ به عقب برمی‌گردد. کودکان و نوجوانان نسل حاضر، بسیار آگاه تراز کودکان یکی دو دهه قبل هستند و ادبیاتی پخته و پیشرفته هم به لحاظ محتوایی و هم از نظر تکنیکی را از نویسندگان توقع دارند. آنها طالب کتاب‌هایی هستند که به خواسته‌هایشان پاسخ گوید. کتاب‌هایی که بتواند به آنها امکان دهد که هرچه سریع‌تر رشد کنند. به عنوان مثال مجموعه داستانی «آنیئا اکلوند لیکول» در مورد «جولیا»یی نوجوان، با مادر شدن جولیا و اشتغال او پایان یافت. کتاب «کریستینا هرستروم» با عنوان «فاصله» (چاپ سال ۱۹۹۸) دختران نوجوانی را نشان می‌دهد که تصور می‌کنند بیش از سن خود می‌فهمند و به همین دلیل، با پیام‌های وحشتناکی مواجه می‌شوند.

در خصوص تکنیک روایی و نگارش می‌توان در آثار کودکان و نوجوانان سوئد، تأثیرات تلویزیون، فیلم‌های سینمایی و تاحدی تئاتر و نیز استفاده از برخی از ابزارهای بصری مثل تغییر صحنه‌پردازی و چشم‌انداز را مشاهده کرد. در این آثار، واقعیت از پشت یک لنز، به تصویر کشیده می‌شود. برخی از تهیه‌کنندگان، نویسندگان و نمایشنامه‌نویسان نیز برای کودکان و نوجوانان می‌نویسند و در آثار خود، تکنیک‌های روایی مختلفی را مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهند.

محتوای رمان‌ها و داستان‌های نوجوانان، دیگر همانند گذشته، چندان مشخص و روشن نیست. در داستان‌های جدید، نویسندگان با به‌کارگیری واژگان دشوار و استفاده از طیف وسیعی از واژگان، به کار خود شکل می‌دهند. آنها با استفاده از تکنیک‌های روایی پیچیده و پیشرفته، طرح داستانی چند لایه و چند مضمونی را پی می‌ریزند. در بسیاری از کتاب‌ها نوعی ابهام وجود دارد و در واقع، خود مخاطب اثر باید به آن پاسخ گوید و آن را برطرف سازد. دوران نتایج داستانی ساده و کم‌مایه و سطحی گذشته است و هم‌اینک، زندگی با تمام جزئیات و پیچیدگی‌هایش، به نوجوانان نشان داده می‌شود. تنوع کتایه‌ها و تلمیح‌های درون متون، موجب غنی شدن ذخیره اطلاعات ادبی کودکان و نوجوانان می‌شود. بنابراین، در طول دهه ۱۹۹۰ نویسندگان احترام بیشتری به مخاطبان نوجوان خود می‌گذارند. ضعف و آسیب‌پذیری

اجتماعی کودکان و نوجوانان، بدون هیچ گونه آرمان‌گرایی، آشکار می‌شود و نویسندگان در آثار خود، از خوانندگان جوان جانب‌داری و حمایت می‌کنند.

هم‌چنان که اشاره شد، شکاف پیشین بین کتاب‌های نوجوانان و بزرگسالان، امروزه از میان رفته است. شاید به همین سبب و علت دشواری برخی از آثار، بعضی از کودکان، مطالعه خود را تا زمان نوجوانی قطع می‌کنند. قبل از این بسیاری از کودکان، پس از رسیدن به نوجوانی، مطالعه خود را قطع می‌کردند، چون در واقع، میان ادبیات نوجوانان و بزرگسالان، فاصله بسیار عظیمی وجود داشت. امروزه این مشکل، به گونه دیگری به چشم می‌خورد و آن، فاصله میان کتاب‌های کودک و کتاب‌های نوجوان است. این مشکلی است که توجه زیادی را به خود جلب کرده؛ چون هم اینک تولید کتاب برای مخاطبان متوسطاً از لحاظ توانایی مطالعه، با بحران روبه‌رو شده است. از سوی دیگر، ترغیب مخاطبانی که تجربه خواندن کتاب‌های نوجوانان را ندارند به ادامه مطالعه ادبیات بزرگسال، همانند گذشته، کار چندان مشکلی نیست؛ چون در واقع، آنها این «گام بزرگ» را برداشته‌اند.

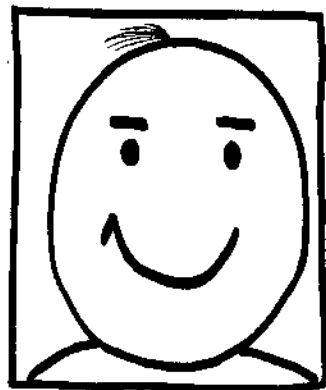
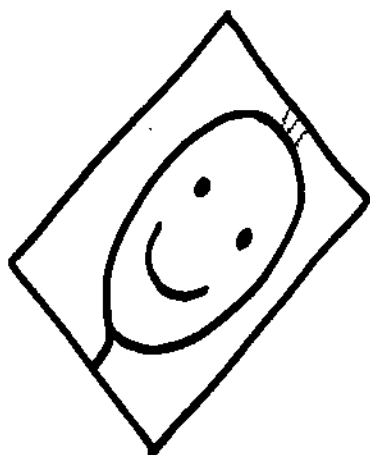
نویسندگان کنونی، به خواسته‌های مخاطبان نوجوان، برای حل مشکلات آنها در این سن، توجه و احترام خاصی نشان می‌دهند. آنها می‌کوشند با تکیه بر تجربیات، احساسات و تصورات خود، به مخاطبان‌شان کمک کنند. هم‌اینک، اهمیت بیشتری به کودکان و نوجوانان داده می‌شود و نویسندگان، آنها را افرادی مستقل و صاحب تجربه می‌دانند که دیدگاه‌های با ارزشی دارند. دیگر مثل گذشته نویسندگان از موضع بالا، برای مخاطبان کودک و نوجوان خود نمی‌نویسند، بلکه سعی می‌کنند خود را به جای آنها و در شرایط آنها قرار دهند و قضایا را از چشم آنها ببینند. البته، رسیدن به چنین مرتبه‌ای، برای نویسندگان دشوار است؛ چون زندگی کودکان و نوجوانان، به سرعت در حال تغییر و دگرگونی است. از طرفی به نظر می‌رسد که زمان داستان‌های تخیلی و شادمانه بی‌محتوا سپری شده باشد. رمان‌های جدید، اغلب مایوس‌کننده و بدبینانه به نظر می‌رسند، اما بدبینی با پاس و نومییدی متفاوت است. نویسنده‌ای که بیش از سایرین، در آثار خود با چنین فضای سرو کار دارد، «پیتر پوهل» است.

دیگر نیازی نیست که آثار کودکان، سرانجام و پایان خوب و خوشی داشته باشند. در واقع، پایان مشخصی در انتهای داستان وجود ندارد و تنها ادامه همان چیزی است که داستان با آن آغاز شده است.

در اصل اعتقاد به توانایی‌های فردی کودکان و نوجوانان، موجب تغییر نگرش در نحوه آرایه و توصیف امید به زندگی، به آنها شده است.

### ○ اعتماد به توانایی فردی

در مقایسه با دهه ۱۹۷۰، ادبیات کودکان و نوجوانان دهه ۱۹۹۰، در برخورد با مسائل سیاسی و اخلاقی، محتاط‌تر شده است. البته، به صراحت این مسئله به اعتقادات اجتماعی نویسندگان ارتباط دارد. ولی دیگر همانند دهه ۱۹۷۰ و با ذکر مثال‌های روشن و گویا بیان نمی‌شود. در دهه ۱۹۸۰، دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی، با روان‌شناسی و سوالات فلسفی درهم آمیخت و همین امر، باعث پیچیدگی بیشتری



### در عصر نوگرایی ادبیات

#### کودک و نوجوان سوئد

#### حضور چشمگیر نویسندگان مرد

#### کاملاً مشخص است

#### و در این میان

#### می‌توان به نویسندگانی هم چون

«متس برگرن» «پرنلیسون»

«اولف نیلسون»، «پیتر پوهل»

«ولف استارک» و «متس واهل»

#### اشاره کرد

### در خصوص تکنیک روایی

#### و نگارش می‌توان در آثار

#### کودکان و نوجوانان سوئد

#### تأثیرات تلویزیون

#### فیلم‌های سینمایی

#### و تاحدی تئاتر و نیز استفاده

#### از برخی از ابزارهای بصری

#### مثل تغییر صحنه‌پردازی و چشم‌انداز

#### را مشاهده کرد

#### در این آثار، واقعیت از پشت یک لنز

#### به تصویر کشیده می‌شود

در رشد شخصیتی شد. شخصیت‌ها همانند دهه ۱۹۷۰، دیگر فقط حامل ایده‌ها و افکار نویسنده نبودند. امروزه عقاید و ایده‌ها توسط شخصیت‌های باورپذیر، جذاب و گیرا که با ظرافت و حساسیت ترسیم می‌شوند، به خوانندگان انتقال می‌یابند. در آثار داستانی سال‌های ۱۹۷۰، معمولاً تعدادی شخصیت مرکزی وجود داشت که یکی از آن میان، می‌توانست قهرمان و شخصیت اصلی داستان باشد. از زمان آغاز فردگرایی در دهه ۱۹۸۰، بیشترین تأکید بر تغییر و تحول درونی قهرمان داستان متمرکز شده است. جست و جو برای تعیین هویت (همراه با بحران، سرکنشی و طغیان، عشق و دوستی) همیشه یکی از درونمایه‌های اصلی کتاب‌های مدرن نوجوانان بوده، اما در ادبیات نوجوان امروز، این جست و جو، شکل جدیدی به خود گرفته است. امروزه تأکید بر تلاش فرد برای یافتن راه خود در زندگی است. هم چنین، گرایش فلسفی در کنار با گرایش مذهبی، راه خود را به تدریج، در ادبیات نوجوانان دهه ۱۹۹۰ باز کرد. نگرانی در مورد فلسفه حیات، پرسش‌های اخلاقی و مسائل مرتبط با آینده حیات، مورد توجه بیشتری قرار گرفت و اغلب نویسندگان، با به کارگیری مذهب و اسطوره، مسائل و وقایع روزمره را دستمایه کار خود قرار دادند.

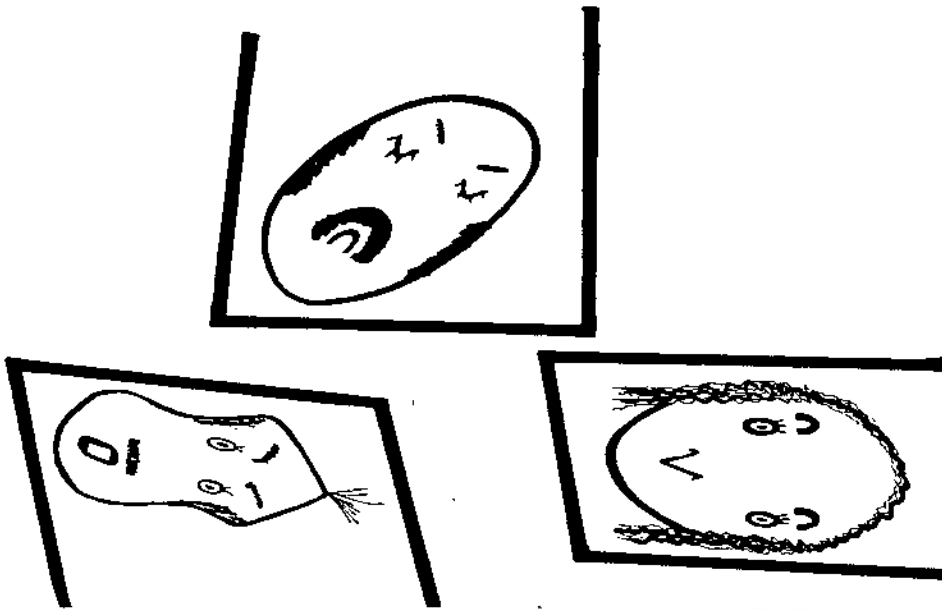
### ○ سوژه‌های دشوار

شکستن موانع رشد ادبیات کودک و نوجوان، در طول دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، راه را برای ورود سوژه‌های دشواری نظیر خودکشی، زورگویی، و مسائل غیراخلاقی، باز کرده است. حتی نوع نگرش به موضوع عشق و روابط عاطفی، دچار تغییر و دگرگونی شده است. برخی از نویسندگان، آشکاراً، موضوعات غیراخلاقی را که در جامعه به وقوع می‌پیوندد، دستمایه کار خود قرار می‌دهند و آن را از ابعاد مختلف بررسی می‌کنند و نتایج و عواقب آن را در آثار خود به بیان درمی‌آورند.

### ○ زمان و مکان

در دهه ۱۹۸۰، ادبیات کودکان و نوجوانان سوئد، سرانجام به رئالیسم اجتماعی توجه خاصی نشان داد. در نتیجه، «کتاب‌های کاربردی» که بیشتر به ارائه یک معضل توجه داشتند تا به مسائل زیباشناختی خود اثر، از میان رفتند و جای خود را به آثاری دادند که از لحاظ ادبی، ارزش بیشتری دارند. یکی از راهکارهای موفق در دهه ۱۹۸۰، استفاده از فضایی رئال، برای فضا سازی داستان بود. نویسندگان در همین فضا سازی رئال، به کمک تخیل و نیروی الهام، به حل مسائل و مشکلات می‌پرداختند. مرز میان زمان و مکان در مواقعی محو می‌شود و خواننده نمی‌داند که حادثه داستان در واقعیت و یا در عالم تخیل و رویا به وقوع می‌پیوندد؛ چون نویسنده عناصر فوق طبیعی را به شکلی کاملاً طبیعی در پیرنگ داستان به کار می‌گیرد. بدین ترتیب، عناصر تخیل و فوق طبیعی بار دگر به ادبیات بازگشته‌اند. دیگر کسی فانتزی و تخیل را محکوم نمی‌کند بلکه نویسندگان، از امکان‌های خلاق و بدیع آن بهره می‌برند.

در کتاب‌های دهه ۱۹۹۰، فضا سازی و مکان وقوع داستان‌ها، پیچیده و بسیار متنوع است. نویسندگان امروز،



هم اینک، اهمیت بیشتری به کودکان و نوجوانان داده می‌شود و نویسندگان آنها را افرادی مستقل و صاحب تجربه می‌دانند که دیدگاه‌های با ارزشی دارند. دیگر مثل گذشته، نویسندگان از موضع بالا برای مخاطبان کودک و نوجوان خود نمی‌نویسند

### در دهه ۱۹۸۰، ادبیات کودکان و نوجوانان سوئد

سرانجام به رئالیسم اجتماعی توجه خاصی نشان داد.

در نتیجه، «کتاب‌های کاربردی» که بیشتر به ارائه یک معضل توجه داشتند تا به مسائل زیباشناختی خود اثر، از میان رفتند و جای خود را به آثاری دادند که از لحاظ ادبی، ارزش بیشتری دارند

واقع، استفاده از پوشش تاریخی، برای طرح مسئله‌ای جنجالی و بحث برانگیز، می‌تواند یکی از امکانات روایی مؤثر باشد.

اما مخاطبان نوجوان برای آشنایی با فرهنگ‌ها و اخلاق‌های متفاوت و شکل‌گیری هویت فردی خود، نیازی به سیر در گذشته ندارند. بسیار از کتاب‌ها، به خوبی، مکان‌ها و مردم سایر نقاط دنیا را توصیف می‌کنند و با روشی مؤثر آنها را به تصویر می‌کشند. این کتاب‌ها به نوجوانان احساس مسؤلیت، وحدت و یکپارچگی می‌دهد. بدین ترتیب، مخاطبان به راحتی می‌توانند برخی از شرایط نامطلوب هم سن و سالان خود را تجسم کنند. خوشبختانه، همین امر، موجب افزایش آگاهی و درک این قشر جامعه می‌شود و تاحدی جای خالی کتاب‌های شاخصی را که در این زمینه ترجمه نمی‌شوند، پر می‌کند.

منبع: ۱۹۹۹ Bookbird

«هلن اهریاندر» مشاور سردبیر نشریه «بوک ببرد Bookbird» در سوئد است. او در دانشگاه «لوند» در چهار تمان ادبیات، نامزد دریافت دکتری است.

قادرند صحنه‌های غم‌انگیز و ملال آور را با شور و احساس بیان کنند و آن را تأثیرگذار جلوه دهند.

بسیاری از نویسندگان دهه ۱۹۸۰، فضای دهه ۱۹۵۰ را در داستان‌ها و آثار خود مورد استفاده قرار می‌دهند. در واقع، بسیاری از نویسندگان متوجه شدند که نوشتن در مورد زندگی روزمره جوانان عصر جدید، مشکل است چون آنها با عقاید و تجارب جوانان آشنایی چندانی نداشتند. در واقع، نوشتن درباره دوره‌ای که برای خودشان به آسانی قابل درک بود- دوران نوجوانی خود نویسندگان- بسیار سهل‌تر بود. در دهه ۱۹۹۰ برخی از نویسندگان مثل «تونی ساموئل سون» از زمان دهه ۱۹۶۰ در آثار خود استفاده کرد. بنابراین، شکی نیست که در بعضی آثار، بین آن چه نوجوانان در زندگی خود می‌بینند و آن چه در داستان می‌خوانند، تضادی به چشم می‌خورد.

در چند سال گذشته، تعدادی رمان تاریخی نوشته شده است. تاریخ همیشه مخاطبان خود را پیدا می‌کند و این نوع ادبی در دهه ۱۹۸۰ با موفقیت پیشرفت کرد و تکامل یافت. در مواردی رمان‌های تاریخی مورد نیاز بود، اما به تدریج، آثار غیر داستانی تاریخی، جای آن را گرفت. رمان‌های تاریخی سوئد، اغلب از کیفیت بالایی برخوردار بودند و نویسندگان با صداقت و بینش درست، به طرح مسائل دشوار پرداختند. در